

مرکز پژوهش های علمی و
مطالعات استراتژیک خاورمیانه

فصلنامه علمی مطالعات خاورمیانه

سال ۳۰، شماره ۱، پیاپی (۱۱۱)، بهار ۱۴۰۲

Home page: www.cmess.sinaweb.net

سخن فصل

راهبرد چین در غرب آسیا

سید حسین موسوی^۱

گردهمایی سران ۷ کشور صنعتی در هیروشیما ژاپن حاوی پیام های گوناگونی بود. از جمله مهم ترین توافقات، اجماع آنان بر سر نحوه تعامل با چین بود که از آن به عنوان «دفع شر» البته به تعبیر ما یاد کردند. چین نیز چنین سیاستی دارد، یعنی ایجاد مرز برای ممانعت از نفوذ بیشتر آمریکا در مناطق مختلف جهان، اما هم آمریکا و کشورهای گروه هفت و هم چین قصد ندارند تعاملات را از رقابت به خصومت بکشانند. شرایط جدید هندسه قدرت خبر از شکل گیری نوعی از توازن و نیز نقشه های ژئواستراتژیک برای تقسیم ثروت در جهان را می دهد.

از جمله مناطقی که کارزار رقابت چین و آمریکا در آن جاری است، منطقه غرب آسیاست. چین در کمال آرامش به تقویت روابط خود با کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا به عنوان یک منطقه، پیوسته مشغول است. سرمایه گذاری ها و توافقات و تفاهم هایی که گاه و بیگاه اخبار آن به گوش می رسد، حاکی از آن است که چین علی رغم تنش ها، چالش ها و بحران های منطقه ای در غرب آسیا و شمال آفریقا به صورتی عمل گرایانه بدون ورود به عمق درگیری ها به کار خود مشغول است. نزدیک شدن چین به کشورهای عربی غرب آسیا برای این کشورها منافع فراوانی هم دارد، به عبارت دقیق تر فرصت جهش در توسعه اقتصادی را برای آنان فراهم می کند. رابطه چین با کشورهای مزبور نه فقط همکاری بلکه به شراکت در توسعه منجر شده است. همچنین کشورهای عربی در حال تجربه فرصت چندجانبه گرایی هستند که پس از دهه های طولانی از رابطه یک سویه با آمریکا اتفاق می افتد.

از سوی دیگر بدیهی است گسترش روابط راهبردی با چین از دید آمریکا نیز پنهان نیست و می تواند در هر زمان واکنش تند آمریکا را در پی داشته باشد. اما ظاهراً آمریکا با احتیاط به این تعاملات می نگرد و علی رغم عکس العمل های گاه و بیگاه در مانع تراشی بر سر تعمیق روابط کشورهای عربی با چین هنوز واکنشی نشان نداده است. نتیجه روابط آمریکا و چین هر چه باشد، به نظر می رسد فرصت تاریخی برای کشورهای عربی در کاهش وابستگی به آمریکا به ویژه در حوزه های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی فراهم شده است.

نگاه راهبردی چین به حوزه کشورهای آبراه خلیج فارس صرفاً به انرژی معطوف نیست، اگرچه رشد گول‌آسای تولید در چین بیش از گذشته یعنی ۸۰ درصد به نفت خلیج فارس وابسته شده است، اما افزون بر اهمیت انرژی، موقعیت استراتژیک این آبراه برای انتقال کالا و ایجاد کریدور حمل‌ونقل به اروپا و آفریقا و نیز ثروت و توان مصرف کشورهای حاشیه خلیج فارس اموری نیستند که برای چین اهمیت راهبردی نداشته باشند. چینی‌ها از سال ۲۰۰۴ با تاسیس «انجمن همکاری عربی-چینی» علاقه خود را به این منطقه نشان دادند. در سال ۲۰۱۰ ابتکار عمل را به دست گرفتند و از سیاست انتظار و در کمین فرصت نشستن دست برداشتند و با افزایش حجم تبادلات تجاری که در سال ۲۰۰۳ حدود ۲۰ میلیارد دلار بود به حدود ۲۰۰ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۰ و نیز با بیش از ۵۰۰ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۰ م، روابط اقتصادی را به صورت چشمگیری افزایش دادند.

صبوری، عمل‌گرایی، عدم مداخله‌گری، صلح‌جویی، خزندگی، نفوذ و تدریج‌گرایی از ویژگی‌های بارز سیاست خارجی چین است که برای طرف‌های مقابل خود اعتماد کافی ایجاد می‌کند.

همچنین باید اشاره کرد که منطقه غرب آسیا و به‌ویژه آبراه خلیج فارس، اینک در چارچوب سیاست امنیت ملی چین نیز وارد شده است زیرا با افزایش حجم مبادلات تجاری و اهمیت انرژی و نیز باز بودن کریدور بندر گوادر در پاکستان به بنادر پایانی خلیج فارس در عراق، عربستان و احتمالاً کویت، بیش از گذشته آبراه خلیج فارس در حوزه امنیت ملی چین تعریف می‌شود.

به نظر می‌رسد حضور فرماندهان سه کشور عربی بر عرشه یک ناو جنگی آمریکا بیش از آنکه نمایش قدرت علیه ج.ا.ا. باشد، پیامی برای چین و احتمالاً روسیه دارد که حاوی این نکته راهبردی است که خلیج فارس همچنان برای غرب نیز یک آبراه استراتژیک تلقی می‌شود.

نباید فراموش کرد که در صورت باز شدن کریدور شمال-جنوب از بنادر ایران به سوی سوریه، بر اهمیت راهبردی خلیج فارس، دریای عمان و نیز تنگه هرمز بیشتر افزوده خواهد شد.

چینی‌ها با ایجاد یک پایگاه نظامی در بندر گوادر پاکستان علاقه و قصد خود را برای حفظ امنیت کشتیرانی در خلیج فارس نشان داده‌اند و این احتمال وجود دارد که در صورت بالا گرفتن تنش در تنگه هرمز، چینی‌ها برای حفظ کریدورها با جمهوری اسلامی ایران برای استفاده از حمل‌ونقل خشکی پایه وارد گفتگو شوند، اگرچه آن‌ها کریدورهای دیگری را از طریق افغانستان، تاجیکستان، مغولستان، روسیه و غیره نیز در نظر دارند.

در هر حال منطقه غرب آسیا، کشورهای عربی و شمال آفریقا بازار بزرگی برای چین به شمار می‌روند که در مقایسه با آمریکا و اروپا بازارهای نزدیک‌تری هستند، سوال مهم برای ج.ا.ا. آن است که ایران چگونه می‌تواند از این فرصت‌ها برای جهش در پیشرفت استفاده کند؟